



پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۷ ۱۲ فروردین ۲۵۸۱ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، یکم آوریل ۲۰۲۳ تسایبی
تلفنهای گروه نویسندگان و نگارش ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶

نوروز سرور پاینده ایران

هنگام خیزش طبیعت و روز نو شدن جهان هنگام وزش باد صبا و رویش گیاهان و شکوفایی گل ها آغاز سال جهان و شادی بخش جهانیان و جلوه فروغمند فرهنگ ایرانزمین به همه ایرانیان آزاده خجسته و فرخنده باد. بامید آنکه با آغاز این نماد خرد و نشان انسانیت، نامردمیها بد سگالیها پرخاشگر یها ستیزو خونریزی و آزارها و شکنجه های رژیم اسلامی به فر این رستاخیز طبیعت از سر ملت ایران پایان پذیرد و همه مردم ایران همدوش با این روز خجسته و آغازینه خدایی، بسوی شهر نیکویی و بهشت مینو و طبیعت زیبا رهسپار گردند و دست مهر و دوستی یگد یگر را بفشارند و درفش آزادی و ازادگی را دوباره بر ایران برافرازند.
شورای نویسندگان

میدانند. در حالیکه این شکل حکومت نبود که مرز نشینان میهن را محروم از حقوق مساوی کرده بود که امروز باور این باشد که نظام جمهوری ناجی ستمدیدگان است. بلکه در گذشته آنچه سبب نارضایتی اقوام ایرانی ما میشود، عدم درک و دریافت و آگاهی دولت ها از آرمان های ملی و بی توجهی به خواسته های اجتماع بر اساس آرمان شناسی علمی بوده است که سبب گشت تا دستگاه های علمی پژوهشی نتوانند مطالعه خود را در اختیار سازمان های ذیربط قرار دهند و سیاست فرهنگی را که از سیاست ملی و سیاست جغرافیایی و سیاست جمعیت جدایی ندارد را مورد توجه قرار دهند تا بنیاد علمی و عملی ارمان شناسی بتواند بشریت را در برابر افق جدیدی قرار دهد. اگرچه بشر امروز در مورد بسیاری مسایل جزیی کنجکاو یهایی کرده و به دانش های ژرفی دست یافته است

نوروز سرور از زهر اصفار پور - حزب پان ایرانیست

هر روز که از رژیم جمهوری اسلامی در ایران میگذرد، زیر بناهای بجامانده از خدمات ارزنده ی دوران شاهنشاهی پهلوی که در مدت ۵۷ سال ایران را در زمره کشورهای پیشرفته جهان در آورده بودند را این رژیم غاصب بسوی فروپاشی کامل پیش میبرد، و دریغ که با همه تلاش و ارت تاج و تخت پادشاهی شاهزاده رضا پهلوی برای ایجاد اتحاد در براندازی رژیم ایران ستیز ایرانی کش جمهوری اسلامی، هنوز افرادی با نگاهی خصماتانه، فرمانروایی پادشاهی را در ایران باعث ستم به هموطنان کرد و دیگر هموطنان مرز نشین در ایران

۳- صدا و سیما را از تحریم ها معاف کرد!
 ۴- بکمک انگلیس به بهانه ی امنیتی چنان ایران اینتر نیشنال را جا کن کرد که تمام برنامه های موثرش بهم ریخت و حتی دیگر هیچ خبری از اعتصاب چهارشنبه بازار و دیگر اعتصابات نداد .
 ۵- به سفیر سوئیس حافظ منافع اش در ایران که یک زن است ، اشاره کرد برای دهن کجی به خواستاران حجاب اختیاری که بانوان و جوانان بیش از پنج ماه است برای این هدف خطر پذیری میکنند ، ناگهان برای بازدید فرهنگی از قم به آنجا مسافرت کند و چادر و چاغچورش را به نمایش بگذارد .
 حالا هنوز برخی ساده دلها فکر میکنند نجات ملت و میهن بدست ابر قدرتهای ضد بشر اروپا و امریکا و روس و چین اتفاق می افتد.

زهرافارپور

حزب پان ایرانیست

نگهبانان نهاد شاهنشاهی

شادباش نوروزی

سام از ایران

روزی نو آمده است و وعده رفتن تباهی و پلیدی است، در دوهزار و پانصد و هشتاد و دومین سال شاهنشاهی یاد عزیزانمان را گرامی میداریم می‌خندیم و هم زمان خون گریه میکنیم. پایکوبان چون خدانور بر شعله های آتش میرقصیم و چون کیان از رنگین کمان میگذریم. مهر و لطف جهان آفرین را برای عزیزانمان و تندرستی و شادکامی و آزادی را برای مردم ایران آرزو میکنم بامهر

پاینده ایران

ولیعهد کجایی به دادما سایی

اما عجیب است که در باره عالیترین وجود یعنی وجود ملت و چگونگی نگهداشت آن هنوز کوشش جمعی صورت نگرفته است. بموجب یک سنت دنیای قدیم که به یونانیها نسبت میدهند ، هنوز یونانیها حکومت را ساده ترین مسایل روز میدانند وان را وظیفه غیر تخصصی مردم کوچه و خیابان میدانند همانگونه که جمهوری اسلامی و نویسندگان همین منشور چنین باور دارند در صورتیکه در ایران حکومت بمعنی صحیح آن دقیق ترین فنون و تخصص ها ست زیرا حکومت وظیفه دار رهبری ملت است. رهبری ملت بدون آشنایی به آرمان های ملی محال است. شناسایی آرمان های ملی بدون ارمانشناسی که بر مبنای دقیق علمی استوار باشد میسر نخواهد بود. درمبحث ناسیونالیسم گفته شد، هرکس به صرف آنکه به میهن خود علاقه دارد نباید گمان برد که ناسیونالیست نیز هست بلکه ناسیونالیست کسی است که به ناسیونالیسم که عبارت از علم شناخت قوانین و شرایط بقا و پیشرفت ملت است آشنا باشد آنچنان آشنایی که برای خود وظایفی را تشخیص دهد و نسبت به آن وظایف احساس مسؤلیت نماید . این آن تفاوت بین ناسیونالیسم اروپایی و ایرانی است . پس به باور من پان ایرانیست چنین تفکری جدای ازسیاست فرهنگی ملت ایران هم نمیتواند در مسیر سعادت اقوام ایرانی جایی داشته باشد . زیرا سه عنصر خون و خاک و فرهنگ ملی باهم پیوندی نا گسستنی دارند و بدون هم دیر یا زود انحرافات فکری سبب زیان فرهنگ ملی خواهد بود و موجودیت ملت را از مسیر سعادت و نیک بختی دور میسازد . پس حال که این فرصت برای جمهوریخواهان در کنار شاهزاده پیش آمده فرصت را غنیمت شمرده و برای هدف نهایی که گذر از رژیم اسلامی است در کنار هم بی ما به ازای گروه و دسته خاصی ابتدا تا رسیدن به هدف کوشا باشیم و بعد با توجه به آنچه رفت بدون جدایی و یا خود مختاری تصمیمات لازم ضروری براساس تداوم و اصلاح قانون اساسی مشروطیت اقدام شود و فراموش نکنیم هیچ قدرت جهانی. منافع خود را فدای منافع هیچ ملتی از جمله ایران نمی کند آنگونه که دیدیم و باز خواهیم دید که: چگونه سیاست مزورانه غرب و شرق دوباره بنفع منافع خود با ملت ایران بازی میکنند واقایی و برتری خود را برخ جهان سوم و ملت ایران میکشاند. در حالی که بظاهر از انقلاب زن زندگی آزادی ملت ایران دفاع میکنند ! از سویی دیگر میخوانیم که اروپا حاضر نیست سپاه را ترویس بشناسد و ایالات متحده پشت پرده: ۱- به عراق دستور میدهد ۵۰۰ میلیون دلار نقد بعنوان طلب قبلی ایران بابت صادرات برق به ایران بپردازد. ۲- جلوی انگلیس را گرفت که حتی حرف بردن سپاه پاسداران به لیست تروریستی را نزند .

پشتیبانی غرب و شرق از جمهوری اسلامی

اسداله نصر اصفهانی

پس از ۴۴ سال مبارزه پیگیر میهن پرستان برای برکناری رژیم جمهوری اسلامی دست نشانده غرب و دلخواه شرق ملت سرفراز و ستایش انگیز ایران با جان فدایی بی مرز خود و دادن بیش از ۶۰۰ کشته به دلیل پشتیبانی غرب و قبلاً سکوت شرق و اینک برای چاپیدن ایران بی دفاع، شیری که گرفتار گله کفتارها شده است با همه فداکاری ها تاکنون نتوانسته است بر جمهوری اسلامی غیرقانونی و اشغالگر پیروز شود. در این نوشتار به دلایل این پشتیبانی میپردازیم

این علل بر دو گونه اند اقتصادی و سیاسی

دلایل اقتصادی:

ایران که درآمد سرانه اش در سال ۱۳۳۵ و آغاز برنامه های توسعه اقتصادی حدود ۱۵۰ دلار در سال بود پس از اجرای پنج برنامه توسعه اقتصادی در سال ۱۳۵۶ به بالای ۲۵۰۰ دلار یعنی به ۱۷ برابر رسیده بود. نرخ بیکاری منفی شده بود و واردات نیروی انسانی بخش عمده ای از تجارت خارجی را تشکیل میداد استفاده از نیم جمعیت یعنی زنان پر افتخار ایران و سهم کردن کارگران در سود کارخانجات، که سلاحی برای بیرنگ کردن شعارهای کمونیستی بود، پیشرفت آموزش و بهداشت عمومی با درایت و هدایت شاهنشاه و البته با مشارکت همه جانبه مدیران اقتصادی شایسته و دولتمردان آموزش دیده، ایران را از یک کشور مصرف کننده به یک کشور تولید کننده نسبی تبدیل کرد. ایران توانست در این دوره سازندگی علاوه بر تولید کالاهای مصرفی بی دوام مانند دارو و جوراب و پارچه و کفش و بسیاری از مواد غذایی به کالاهای مصرفی با دوام مثل یخچال آبگرمکن و کولر اتومبیل و اتوبوس و نظایر آن بپردازد و براحتی باقیمت های رقابتی به دیگر کشورها بویژه اروپای شرقی و حتی به اروپای مرکزی صادر کند. تا آنجا که پوشاک های دوخت ایران در خود ایتالیا که مرکز تولید لباس های مارک دار بود بازار وسیعی را در اختیار گرفته بود و سودجویان ایتالیایی پوشاکهای ساخت ایران را با تغییر مارک به دیگر کشورها صادر میکردند.

علاوه بر کارخانه ذوب آهن که خواست ملی دیرین ایرانیان از زمان رضا شاه بزرگ بود پایه گزاری شد، ایران به صنایع بنیادی وزیر بنایی مانند صنایع فولاد پتروشیمی ماشین سازی تبریز و تراکتورسازی اراک و مانند آنها دست یافت

تا زمانی که تولیدات صنعتی ایران بازار مصرفش خود ایران بود و غرب همچنان با فروش پاره ای مواد اولیه و کشاورزی و تکنولوژی لازم به ایران میزان صادراتش به ایران اضافه میشد ناخرسند نبود. ولی از زمانی که ایران وارد بازار جهانی به ویژه اروپای شرقی شد و بخشی از بازار جهانی را در اختیار گرفت و بجای اینکه مانند گذشته ارزشهای بدست آمده را صرف واردات از جهان غرب کند برای استقلال اقتصادی بیشتر از جهان شرق بویژه از شوروی وارد میکرد، زنگ خطر بزرگ اقتصادی برای جهان غرب به صدا درآمد و برای پیشگیری از قدرت گیری غیر قابل کنترل ایران، جمهوری اسلامی را از راه انقلاب دروغین و شورش ۵۷ به مردم ایران قالب کردند.

دلایل سیاسی

در ۲۲ اسفند ۱۳۴۷ شاه به کنسرسیوم نفت اخطار کرد که درآمد ایران باید ظرف دو ماه آینده به یک میلیارد دلار برسد و گرنه ایران نصف منابع نفتی خود را در اختیار خواهد گرفت و در سال ۵۷ ما قرارداد نفت خودمان را با کنسرسیوم دیگر به هیچ وجه تمدید نخواهیم کرد.

پی آمد اخطار شجاعانه و میهن پرستانه پادشاه این بود که در یکی از جلسات شورای امنیت ملی آمریکا در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) «هنری کیسینجر» - با وجود رابطه دوستانه و ستایش آمیزش با شاه- به نظر برخی از دولتمردان آمریکا اشاره کرد و گفت: «اگر شاه بخواهد خط مشی کنونی خود را ادامه دهد و سیاستی را که در چهارچوب سازمان کشورهای صادر کننده نفت «اوپک» اتخاذ کرده تغییر ندهد ممکن است این تصور برایش حاصل شود که نفوذش در منطقه دائماً افزایش خواهد یافت. تردیدی نیست که شاه اکنون سیاستی اتخاذ کرده که بتواند فشار بیشتری بر ما وارد آورد، چه بسا ممکن است روزی فرارسد که ما دیگر سیاست شاه را به سود خود تشخیص ندهیم. شاه این سودا را در سر دارد که کشورش را به یک قدرت بزرگ تبدیل کند، نه به کمک ما بلکه با استفاده از وسایل دیگری، از جمله همکاری بیشتر با همسایگان روسی اش..»

در اینجا «آمریکا» برخی بر این عقیده اند که یا باید شاه دست از سیاست های خود بردارد و یا ما باید او را عوض کنیم!!!»

از فردای امروز تبلیغات بر علیه ایران آغاز شد که شاهنشاه در مصاحبه های خود در خارج از کشور و در کتاب پاسخ به تاریخ بگونه گسترده به آنها اشاره فرموده اند.

آغاز سیه روزی ایران

با برقراری رژیم ولایت فقیه، جمهوری اسلامی بر مبنای تشکیل ارتش مکتبی و سیاست صدور انقلاب از راه جهاد، در واقع عملیات تروریستی، به قدره بند یا گنده لات خاورمیانه تبدیل شد و همه کشورهای عربی شامل عربستان سعودی برای دفاع خود به خریداران بزرگ اسلحه تبدیل شدند و رونق بی سابقه فروش اسلحه به کشورهای منطقه آغاز شد. به عنوان مثال پس از سه سال برقراری رژیم جمهوری اسلامی فروش اسلحه از سوی انگلستان هشت و نیم برابر، از سوی فرانسه چهار و هفت دهم برابر و از سوی آلمان سه برابر و آمریکا دو برابر شد. از این رو کشورهای غرب وجود جمهوری اسلامی را یکی از منابع تحصیل درآمد و فروش اسلحه می دانند. هنگام شورش ۵۷ کشورهای عربی خلیج فارس و عربستان حدود هزار میلیارد دلار مازاد ارزی داشتند ولی برقراری جمهوری اسلامی به ویژه پس از جنگ خلیج فارس و حمله به کویت باعث شد که این کشورها ۲۰۰ میلیارد دلار به کشورهای غربی بدهکار شوند.

جهان شرق

آشکار است که علت اصلی ماندگاری این حکومت ضد بشری در بیش از چهار دهه، حمایت های گسترده و پشت پرده آمریکا و غرب و مفتخورهای شرقی «چین و روسیه» است. غارت وحشیانه آبریان آب های تحت مالکیت ایران در خلیج فارس توسط کشتی های غول پیکر ماهیگیری چینی و تاراج معادن و منابع کشور توسط آنها و اشباع بازارهای اقتصادی کشور با اجناس بنجل چینی، بالا کشیدن بخش گسترده ای از سهم ایران در دریای کاسپین توسط روسیه و در اختیار گرفتن فرودگاه ها و پایگاه های نظامی ایران برای پیشبرد طرح های توسعه طلبانه و انجام عملیات نظامی در منطقه توسط روس هاست.

کشورهای شوروی و چین که در شورش ۵۷ ظاهراً

بیطرف بودند و با سکوت مزورانه خود ایران را در دامان کشورهای برگزار کننده کنفرانس گوادلیپ رها کردند اکنون خود مشغول چاپیدن ایران تا جای ممکن هستند و در گله گفتارها پیشتانزند.

پشتیبانی از جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی با بقای خود سودهای کلانی را به جیب کارتل های تسلیحاتی و نفتی و کمپانی بزرگ اروپایی و آمریکایی سرازیر می کند. آیا این سودجویان و غارتگران به خاطر آزادی مردم ایران و روی کار آمدن یک دولت ملی و دمکراتیک در کشور از حمایت کردن آن دست خواهند کشید و منافع خود را قربانی مردم ایران برای رها شدن از شر جمهوری اسلامی می کنند؟

دنیای غرب و شرق از این هراس دارند که چنانچه دست از پشتیبانی از این رژیم بردارند و ملت ایران رژیم تحمیل شده و دست نشانده آنها را سرنگون و حاکمیت مردم سالار را برقرار کند باتوجه به آگاهی ملت ایران و دانش بی نظیر آنها از آخرین تکنولوژی و استفاده از رسانه های همگانی به پیشرفت اقتصادی پرشتاب بسیار بالاتر از سال ۵۷ نایل میگردد و به راحتی بخش بزرگی از بازار جهانی را به خود اختصاص خواهد داد.

تحریم ها

تحریم های اقتصادی و تحریم افراد وابسته به جمهوری اسلامی هیچگونه گشایشی در بدبختی و فلاکت مردم ایران نداشته است چرا که فشار تحریم ها بر دوش مردم است و سودهای کلان و سرشاری را نصیب حاکمان و ایادی آنان با دور زدن تحریم ها می کند و شرکت های اروپایی نیز بی نصیب از این سودهای کلان نیستند و افرادی که تحت تحریم های نمایشی اروپا و آمریکا قرار می گیرند به راحتی با پاسپورت کشورهای دیگر و مشخصات جعلی و حتا با پاسپورت های دیپلماتیک و با نام و مشخصات نا درست به این کشورها رفت و آمد می کنند و به ریش همه تحریم کنندگان نیز می خندند.

رژیم آخوندی به این امر واقف است که اروپا و آمریکا توسط نفوذی های خود در رده های بالای نظام به سادگی می توانند راه را برای سرنگونی حکومت هموار سازند و از این رو نظام ملایان از ترس اینکه شاید روزی مورد غضب غربی ها قرار گیرد برای تقویت و تحکیم پایه های لرزان حکومت مانند یک روسپی از هماغوشی

با غرب به هماغوشی با چین و روسیه نیز تن داد و به هر سازی که چین و روسیه برای رژیم ملایان بنوازند به رقص در می‌آید.

مردم ایران نباید به حمایت از سوی کشورها و دولت‌های اروپایی و آمریکا برای گذار از حکومت ملایان امیدوار باشند. این دولت‌ها حتا وعده چند ساله خود به مردم ایران برای برقراری اینترنت آزاد در کشور را عملی نکردند. حمایت‌های ظاهری رهبران سیاسی جهان از خیزش انقلابی مردم ایران تنها برای فریب افکار عمومی است. در هفته‌های گذشته لایحه تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرار دادن این نیرو در لیست سیاه گروه‌های تروریستی با رای مثبت و قاطع نمایندگان پارلمان اتحادیه اروپا به تصویب رسید اما رهبران سیاسی دولت‌های اروپا به شکلی آن را وتو کردند و غیر عملی دانستند.

راه کار

مردم مبارز و آزادیخواه ایران کاملاً آگاهند که برای

گذار از حکومت دست نشانده و ضد ایرانی ملایان باید تنها به خودشان متکی باشند و مسیر رسیدن به آزادی و نابودی رژیم ملایان به عزم و اراده و قدرت و همبستگی مردم بستگی دارد و اکثریت ملت ایران باید در این مسیر و هدف و آرمان ملی و آزادیخواهانه مشارکت فعال داشته باشند.

مردم ایران در سراسر کشور با پشتیبانی از یگانه امید ایران یعنی شاهزاده رضاپهلوی و محبوب ترین شخصیت مورد اعتماد مردم باید در مقیاس بسیار گسترده‌ای برای ادامه اعتراضات در کف خیابان‌ها حضور پیدا کنند زیرا در این صورت رژیم و مزدورانش جرأت کشتار مردم را پیدا نخواهند کرد و ملت دردکشیده و فلاکت زده ایران می‌تواند یکبار و برای همیشه بساط حکومت جرتومه‌های فاسد و دزد و جنایتکار حاکم بر کشور را برچیده و به زباله‌دان تاریخ پرتاب کند. پایان

اسداله نصرافهانی

فروردین ۲۵۸۲ شاهنشاهی ومارچ ۲۰۲۳ ترسای

ایران برای ایرانی ژاله دفتریان

پس از برپایی جمهوری اسلامی و چیره شدن گروهی آزمند و گرسنه چشم، به نام آخوند که توانستند با تقیه و دروغ و نیرنگ با نامردی غرب و همراهی و سکوت شرق، پادشاه ایران ساز ما محمدرضاشاه پهلوی را از اورنگ شاهی به زیر بکشند، برای اداره ی کشور دات‌هایی (قوانینی) نوشته و از ایرانیان خواستند که آن دات‌ها را انجام دهند.

مردم ایران می‌کوشند داتمند باشند. باید گفت دات (قانون) آری، ولی چه داتی؟ پرسش این است!

از زمانی که ایران ما زیر چیرگی جمهوری اسلامی جای گرفته و در دام چاله ی آخوندها افتاده، دات‌هایش، دات‌های اسلامی است. اسلامی که هزار و چهار صد سال از پدیدار شدنش می‌گذرد! آیا آن دات‌های هزار و چهار صد سال پیش را می‌توان

امروز، به کار بست و انجام داد؟

بی آنکه خدای نخواستہ اندیشه ی خوار داشت کسی و یا گروهی را داشته باشم، باید بگویم دات‌های اسلامی که از بیابانهای بی آب و گیاه عربستان برخاسته امروز به درد هیچ گروه و دسته ای نمی‌خورد.

هنگامی که عرب‌های گرسنه چشم و گرسنه شکم به

سرزمین ما تاختند، ایران ما آباد بود،

ایران ما آزاد بود.

ایران ما پایه گذار شهرنشینی بود،

خوشبختانه امروز این را جوانان، بویژه زنان ایرانی به خوبی دریافته اند.

این جوانان و زنان ایرانی هزاران آفرین دارند.

این جوانان و این زنان با آرمانی نو، با دیدگاه‌هایی نو، پا به میدان گذاشته اند.

آنان می‌کوشند این راستینگی که همانا به دست آوردن آزادی است را به گوش ناشنوا ی آخوندها و به گوش

جهانیان نیز برسانند.

ولی دریغ و افسوس که آنهایی که باید بشنوند پنبه در

گوش هایشان فرو کرده اند و نمی خواهند بشنوند.

جوان و زن امروز ایرانی که می بیند و می داند با بودن جمهوری اسلامی باید از آزادی چشم ببوشد، برای به دست آوردن آن تنها سرمایه اش را که جانش می باشد در کف دستش گرفته و برای به دست آوردن آزادی می جنگد.

ولی تو ای جوان ایرانی و تو ای زن ایرانی این را بدان که ما در کنار شما هستیم و از جنبش شما پشتیبانی می کنیم. آزادی ایران از چنگال این دین مداران زور مدار آرمان

همه ی ایراندوستان است.

به امید روزی که ایران از چنگال آخوند فریبکار و نیرنگساز رها شده و با به دست آوردن خمیرمایه ی فرهنگ ایرانی با گام های بلند به جهان آزاد پا نهد و بتواند، با تب و تاب و جوش و خروش می ناب آزادی را در جام بلورین شایستگی و بایستگی بنوشد و گرد و خاک زمان را از آیین و فرهنگ ایران بزداید.

ژاله دفتریان

فروردین ۲۵۸۲ شاهنشاهی مارچ ۲۰۲۳ ترسای

نقش روان و خرد گرایی

در انقلاب ۱۴۰۱

سعید حمزوی

روان مرکز اندیشه و جای بسیار وسیعی است که دانایی ، تصمیم گیری ، اراده و همه عوامل دانش و فرهنگ هر کسی را در خود دارد و در شکل کلی روان هستی را مادر گیتی خوانند و روان جزئی از انسان اندیشه گری است که گر نبود اندیشه نبود و هیچ شناختی پیدا نمیکرد ، نیروی حاصل برای ورود به دنیا مادی برای آگاهی از طبیعت و خلاقیت و از طرف دیگر باعث ورود به عالم مینوی و ارتفاعات معنوی می باشد که اثبات عملی آن وضع ایرانیان با انقلاب خود جوش مهسا امینی ۱۴۰۱ می باشد به ترتیبی که تا رسیدن به پیروزی ادامه دارد و فروزه روشنائی و همراه با فضیلت اخلاقی بثمر آورده است این همزمانی گوهر پیدایش همین حالت و شرایطی است که به اوج حرکت رسیده و باز گشتی به عقب ندارد میرود و با تقویت روان کلی جامعه آینده نوین سرشار از درستی پاکي و خوشبختی را به ارمغان آورد و در سایه کار و کوشش ایران توانمندی را پس از این دوران تاریکی بسازد . در طول زمان نوید پاداشی دارد و آن رضایتی است که در هر فرد مبارز احساس میشود. وقتی کار روان در همین سو بالا گرفت و نیک اندیشی متداول شد پرتوی نیکی توانا بود هر که دانا بود . فرهنگ پر بار ایران موتور قابلیت دارد که در این نقطه از تاریخ به فریاد ما رسیده و بهر تقدیر توانست اتحاد و همبستگی

ناگسستی و محکمی رادر بین ما بوجود آورد به دنیا نشان دهد و جنبش را جهانی کند به ترتیبی که بد خواهان که منافع خود را در گرفتار بودن ملت ایران و کمک رسانی به رژیم غاصب میدیدند از پا درآورد مردم میدانند که نباید کمکاری کنند نباید میدان را خالی کنند گول بازیهای موقت را نخورند جمهوری اسلامی تیشه در دست دارد مبشر خرافات است مملکت را دودستی در اختیار بیگانگان قرار داده است جوانان بی گناه را کشته و به ناموس میهن تجاوز و حقوق شهروندی ایرانی را برده است.

مردم را گرسنه ، خشونت را گسترده و حتی نان را از سفره بینوایان ربوده است مردم شریف ایران در ایستگاه سرنوشت بهتر ایستاده و حتما سوار قطار آزادی خواهند شد وعده نیست حقیقتی از طبیعت و از تاریخ است .

ایرانیان بخوبی میدانند و تجربه کرده اند تجربه صدر مشروطیت و داستان به توپ بستن مجلس شورایی، دوباره سال ۵۷ تکرار شد با این تفاوت که اینبار طول کشیده است ولی آگاهی و بیداری ملت بخوبی پرده راکنار زد و نقاب را از چهره وطن فروشان برداشت در این مبارزه نقش پدران و مادران را نباید فراموش کرد و باید به خاطر سپرد که نور بر تاریکی پیروز خواهد شد . پایان

پاینده ایران

رضا شاه روح شاد

ایران فردا

محمد اورامانی از ایران

جزم اندیشی یا گشاده نگری؟ کدام زیبنده ایران اهورایی است؟ دوستتان و سروران درود گروهی از پادشاهی خواهان که من امیدوارم در سخن خود راستگو باشند؛ کلا جمهوری خواهی را نه در باطن بلکه در نهایت شگفتی در ظاهر هم به رسمیت نمی شناسند. این چه باور فکری است که چون خوره به جان ایران پرسرستان افتاده؟ باید به آنها گفت که ای عزیزان؛ اگر پیرو شاهزاده هستید این سخن و باور شما کاملا مغایر با سخن و هدف شاهزاده و اندیشمندان برانداز ایران پرست در جهت همبستگی تمامی براندازان واقعی برای نابودی حکومت اسلامی است. آیا شما شاهزاده را به رهبری و لیدری قبول دارید؟ و اگر دارید چرا مخالف سخنان او حرکت کرده و وارون او سخن می گوید؟ در مانیفست شما آیا جایی برای ایران پرستان جمهوری خواه هست یا نه و آیا در باغ شما تمامی سروها باید هم قد کوتاه ترین سرو باشند؟ چه دلیلی دارد در زمانه ای که ما نیاز به یک پارچگی تمامی مبارزان برای براندازی داریم؛ شما و همفکران شما بحث هم اکنون بی مورد ((حتما پادشاهی)) را به راه می اندازید تا اذهان عوام و خواص داخلی و زورمندان تاثیر گذار خارجی مشوش شود؟ در ابتدای انقلاب خانین صدقی و چپی و مجاهد یک مشکل بزرگ داشتند و آن در اقلیت بودنشان بود؛ اما ما هم اکنون در اکثریت هستیم. زیرا پادشاهی خواهی در خون ایرانیان سرشته شده است و این اکثریت بصورت افزایشی (اگر گل از خودی نخوریم) ارکان نظام را روز به روز بیشتر می لرزاند. چرا باید مردم را از یک یکسونگری جدید ترساند؟ مگر ما پیروز شده ایم؟ ما هنوز هیچ کار نکرده ایم. جالب است گویی شما دوستان عزیز از پاپ هم کاتولیک تر شده اید. شما در ساختار کلی و تلقی از مردم سالاری دچار کاستی های بنیادین هستید در کشوری مانند ایران که بالای ۴ دهه مثلا جمهوری بوده و می خواهد به مردم سالاری واقعی با مرز بندی سکولار و قالب پادشاهی مشروطه پارلمانی یا ریاستی مشروطه پارلمانی حرکت کند؛ باید فعالیت احزاب حتی مخالفین قانون اساسی مستقر آزاد باشد. زیرا قانون اساسی نوشته انسانها بوده حتما سپند نیست و همواره باید ویرایش شود. برای ما ایرانپرستان هیچ محدودیتی

از قبیل قوم و قبیله و مذهب و مرام و تمایلات انسانی فرا معمول و کوچکی و بزرگی و ثروت و فقر در جهت حرکت به سمت پریاسازی دگر بار ایران آباد و آزاد وجود ندارد تمامی ایرانیان با شناسنامه ایرانی در باور ما؛ شهروند جامعه مدنی ایران بوده و دارای یک حق رأی می باشند. باور فکری مورد احترام است و تنها یک خط قرمز در پیش روی خود می بیند و آنهم پاسداری از تمامیت ارضی ایران یا یکپارچگی سرزمینی بدون پس و پیش و اما و اگر است هرکسی ایران را دوست دارد از ما است و در مورد بقیه موارد می توان گفتگو کرد. ما ایرانیان همگی وارث یک خانه پدری بنام ایران زمین هستیم. این خانه ملکی است مشاع و متعلق به تمامی ایرانیان فارغ از تعلق به کدام شهر و قوم و مذهب. این خانه را نمی توان تکه تکه کرد زیرا درازنای هزاره ها، آنقدر پسرعموهای و دختر عموها باهم در آمیخته و ازدواج کرده اند که مطلقا قابل جدا شدن نیستند. این خانه به هیچ وجه قابل کوچک شدن نیست اما می توان آن را بزرگتر کرد باید ایران پرستان جمهوری خواه و پادشاهی خواه یار و یاور یکدیگر بوده و از هم بمانند حلقه های زنجیر پشتیبانی کنند. ما در بحث با گروه پادشاهی خواه تمامیت خواه و جمهوری خواه یکسونگر درمی یابیم که ابتدای سخنانشان با انتهای آن نقیض یکدیگر بوده و نشان از تشننت فکری می باشد دوستان پادشاهی خواه تند رو و یا جمهوری خواه تنها خود نیک بین، بدانید احزاب را انسانها تشکیل می دهند و احزاب بصورت کالای آماده در فروشگاه ها وجود ندارد پس هنگامی که انسان ایران پرست پادشاهی خواه یا جمهوری خواه وجود داشته باشد که هست، لاجرم این انسانها می توانند جمع شوند و احزاب پادشاهی خواه و یا جمهوری خواه ایران پرست تشکیل دهند و نبودن اینگونه تشکلهای در زمان کنونی و یا ضعف آنها در جهت تشکیلاتی، دلیلی بر نبودن آنها در آینده نیست.

ما مجبوریم به مردم تکیه کنیم تا پشتوانه محکم داشته باشیم و در کنار آن باور مردم را بسوی ایران پرستی واقعی سوق داده و بپرورانیم یعنی یک بازی ظریف و هوشمندانه را در پیش رو داریم تا تجزیه طلبان را در بنیان فکری سرکوب کنیم ما باید مانند کره زمین همواره در مدار صحیح به دور خورشید که همان مردم بوده و منشأ نیروی بی پایان هستند حرکت کنیم، زیرا اگر اندکی در محاسبات اشتباه کرده و مدار را چند درجه جلو یا عقب ببریم سرانجامی جز سوختن یا یخ زدن و در آخر نابودی نخواهیم داشت و این خطوط دقیقا آن چیزی است که شاهزاده می گوید. پایان

پایانده ایران

باید بی مجامله به شما بگویم که تا کنون سلطنت برای خود من شخصا غیر از در دسر چیزی نداشته است و در تمام دوران رهبری من بر ایران ، حتی یک روز از آزادی و آسایشی که هر فرد عادی نیز حق استفاده از آن را دارد برخوردار نبوده ام.

چندین دفعه تاکنون به جان من سوء قصد شده است.

قوای مخرب بین المللی متصل بر ضد من فعالیت می کنند و رادیوهای وابسته به آنها روزی چندین ساعت به من حمله می کنند و دشنام می دهند .

از لحاظ مالی در مدت رهبری خودم تقریباً هر چه را داشته ام در اختیار ملت خویش گذاشته ام و همه دارایی سلطنتی را ملی کردم . تقریباً ده سال پیش بود که شروع به تقسیم املاک در میان کشاورزان این املاک کردم و امروزه می توانم با کمال خوشوقتی به شما بگویم که کار این تقسیم تقریباً به کلی بپایان رسیده و بیشتر روستا ها و دهکده ها در میان هزاران خانوار ایرانی ، یعنی تقریباً همه کشاورزان و افراد مملکت تقسیم شده و به مالکیت قطعی آنها در آمده است و در ایران ، دوران نظام ارباب و رعیتی به پایان رسیده است.

اگر به شما می گویم که رهبری کشور برای من نه از لحاظ تفریح ، نه از نظر هوس مقام و نه از جنبه مادی هیچ گونه نفع و استفاده شخصی در بر ندارد این عین حقیقت است که گفته ام... ولی واقعیت بزرگتری در کار است و آن مسئولیت خطیر من در مقابل ملت خودم و در مقابل تاریخ این مملکت چندین هزار ساله است...

این سلطنت و رهبری در موقعی به من رسید که پدرم توانسته بود در مدت تقریباً ۱۰ سال مردم را از فقر و فلاکتی که قاجار ها به آنها تحمیل کرده بودند ، نجات دهد و با زیر و رو کردن بنای مملکت، موجب پیشرفت کشور شود.

وقتی که من به عنوان پادشاه و رهبر ایران کارم را شروع کردم کشور من و تمام دنیا در آتش جنگ جهانی دوم می سوخت. بعد از اتمام جنگ جهانی و با تشکیل سازمان ملل متحد ، ایران از اولین ممالکی بود که افتخار عضویت در این سازمان را یافت. ما دارای دموکراسی مخصوص بخودمان هستیم که در طول قرون متوالی با روح و فکر ما عجین شده است .

یکی از مشخصات اصلی آن این است که همواره راه برای بروز ابتکار ها و استعداد های فردی باز بوده و هرگز اختلاف درجات طبقاتی و قیود اجتماعی مانع آن نشده است که هر

فرد به حسب استعداد و ظرفیت خود از پائین ترین مدارج به بالاترین درجات ارتقاء یابد. زمانی که رهبری ایران بر عهده من گذاشته شد ، اکثر شهرهای ایران آب و برق و جاده آسفالت نداشتند. ولی امروز برق و آب و آسفالت همه شهرهای کشورم تامین شده است و در دوره برنامه هفت ساله دوم که شش ماه دیگر به پایان می رسد در حدود ۱۱۰۰ میلیون دلار جهت برنامه عمرانی کشور سرمایه گذاری شده است در نتیجه این سرمایه گذاری چرخ های اقتصاد کشور که قبل از برنامه دوم تقریباً در حالت رکود بود با سرعت به گردش در آمد و در آمد سرانه ۲۶ درصد افزایش یافت، برای اجرای برنامه پنج ساله سوم که براساس تجارب گذشته و با مطالعات بیشتری تنظیم شده و از شش ماه دیگر شروع خواهد شد هزینه ای در حدود دو هزار میلیون دلار از طرف دولت و در حدود دو هزار میلیون دلار سرمایه گذاری های خصوصی پیش بینی شده است که در نتیجه آن درآمد ملی ما حداقل ۶ درصد در سال افزایش خواهد یافت . اگر به نقشه جغرافیا نگاه کنید فوراً درک خواهید کرد که ایران از نظر موقعیت خود کلید تمام منطقه ای است که خاور میانه و شبه قاره هندوستان و آفریقا را شامل می شود. این وضعیت نه فقط مربوط به امروز است بلکه در تمام تاریخ ، مملکت ایران همین موقعیت حساس جغرافیائی را داشته و همواره شاهراه ارتباط شرق و غرب بوده است . اکنون یکبار دیگر تاریخ و سرنوشت چنین خواسته اند که کشور ما مأموریت تاریخی خود را به عنوان کلید استقلال و موجودیت سراسر این منطقه جغرافیایی و به عنوان مدافع و نگهبان اصول تمدن و فرهنگ بشری که خود در طول تاریخ سهم درجه اولی در پیدایش و تکمیل آن داشته است عهده دار گردد. ما اکنون سنگر مقدم تمدن و فرهنگ بشری در این قسمت حساس از جهان هستیم.

همچنان که در طول تاریخ ممتد خود هرگز از قبول این مسئولیت خطیر سرباز نزده ایم ، امروز نیز به هیچ قیمت این پرچم را زمین نخواهیم گذاشت.

مدت هاست ما می شنویم که نه تنها دشمنان ما بلکه بعضی از دوستان متفق ما پیش بینی می کنند که ایرانی ها ظرفیت پیشرفت و مدرن شدن را ندارند

و جامعه ایرانی هر لحظه وضع قابل انفجاری دارد و عنقریب که در آن اتفاقاتی خواهد افتاد ..

ما سال ها است این غیب گویی ها را می خوانیم و می شنویم. ولی در عمل می بینیم که در کشورهای دیگر همه جا از این اتفاقات افتاده و فقط ایران است که از ثبات و امنیت کامل برخوردار مانده است.

پایان

اسداله نصر اصفهانی

بخش نخست

چندی پیش از سوی گروهی از ایرانیان در بیانیه‌ای موجودیت نگهبانان نهاد شاهنشاهی ایرانزمین، که کنش و ساختاری فرهنگی است، به آگاهی همگان رساندند.

این بیانیه چنین میگوید:

«ما ایرانیان باورمند به اندیشه‌ی تداوم، پایداری و نگهبانی از نهاد شاهنشاهی و فرهنگ کهن ایرانشهری، برقراری ساختار نگهبانان نهاد شاهنشاهی را آگاهی داده و از همه سازمان‌ها و برجستگان باورمند به این اندیشه درخواست و دعوت می‌کنیم که همسویی و هماهنگی خود را در اجرای این اندیشه و پیوستگی خود را به این ساختار، که با هموندی همه باورمندان شکل خواهد گرفت، آگاهی فرمایند.»

چون بسیاری از همزمان درباره این نهاد پرسشهایی نموده‌اند که، با وجود انجام برنامه‌های تلویزیونی، هنوز به بسیاری از آنها پاسخ داده نشده است و برخی از میهن پرستان با اشتباه مطلق و نداشتن آگاهی کامل موجودیت نگهبانان نهاد را در برخورد با نماد پادشاهی دانسته‌اند، از این رودرروشتار زیر پاسخ به بیشتر پرسشها آمده‌اند.

چرا نگهبانان نهادشاهی شکل گرفت؟

پیش از هر سخنی توجه خواننده را به معنای نهاد جلب می‌کنم. نظام پادشاهی کهن‌ترین نهاد پای برجا در تاریخ ایران بوده است. مفهوم نهاد را نباید با مفهوم سازمان یکی گرفت و فروکاست. نهاد اگر چه جنبه سازمانی می‌تواند داشته باشد، اما به آن فروکاستنی نیست. سازمان متشکل از سلسله مراتبی است که در رأس آن ریاستی هست. دارای قواعدی است که گستره وظیفه و حقوق اعضای آن را معین می‌کند. همچنین دارای ساختار تشویق و تنبیه است. اما نهاد اینگونه نیست. نهاد دارای قواعد نوشته و نانوشته و هنجارها و الگوهای رفتاری است. همچنین دربرگیرنده باورها و ارزش‌ها و جهان‌نگری‌ها و غایات انسانی است. برای نمونه خانواده نهاد است. نهاد خانواده دارای همه آن

عناصر یادشده است. بر همین روال، شاهنشاهی هم نهاد است. بدین معنا که مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، الگوهای رفتاری و غایات است. تداوم نهاد شاهنشاهی به معنای تداوم همه آن باورها و هنجارها و الگوهای رفتاری و غایات است.

هواداران سامانه پادشاهی با نام‌های گوناگون بسیاریند و تا کنون سازمانهای بسیار درست کرده‌اند و هر روز هم بر شمار آنان افزوده می‌شود. ولی بیشتر، به جای اینکه به کیفیت و کارایی بپردازند، به دنبال کمیت هستند. هر چند نفر میهن پرست، که راهکار نجات را از دید خودشان برقراری سامانه پادشاهی می‌دانند، به دور خود حریمی میکشند و در این پیله با فداکاری و گذشت انسانی و مالی برای هدف خود مبارزه می‌کنند ولی تاکنون نتوانسته‌اند یک تشکیلات منسجم و یکدست برقرار کنند.

نگرشی کوتاه به آرمان‌های این سازمان‌ها نشان می‌دهد که همه در هدف مشترک‌اند ولی راهکارهای گوناگون ارائه می‌دهند که این مسئله اصلی برای ایجاد چند گونگی بر پایه مسائل شخصی و انفرادی است نه مسائل جمعی و ملی و میهنی.

جمهوری‌خواهان نیز، که باز در هدف نهایی با پادشاهی خواهان یکی هستند، یعنی برقراری «حاکمیت مردم» از روش‌های گوناگون با اسامی مختلفی، مانند جمهوری دموکراتیک جمهوری سوسیالیستی جمهوری ایرانی، یا پسوندهای گوناگون دیگر، استفاده می‌کنند. در واقع کار آنها، اعم از پادشاهی خواهان و جمهوری خواهان، کاری است سازمانی. هرکدام تشکیلات و برنامه‌ها و نشست‌ها و اساسنامه و آیین‌نامه و هیئت مدیره اجرایی و اقدامات عملی خود را دارند.

ولی نهاد شاهنشاهی، که ما نگهبانان آن هنوز نتوانسته ایم هدف ساختار فرهنگی نگهبانان آن را درست در دید همگان قرار دهیم و به آگاهی ملت برسانیم، با موقعیت هواداران پادشاهی به کلی متفاوت است.

فرق اساسی بین نهاد شاهنشاهی و سامانه پادشاهی

به گونه فشرده، فرق اساسی میان نهاد شاهنشاهی و سامانه پادشاهی در این است که نهاد شاهنشاهی ایران چند هزار ساله، پیوسته و دایمی است. این فرهنگ، که تمدن ایرانی را پایه‌گذاری کرده و هر روز بارورتر از گذشته می‌شود، فرهنگی است که تا ایران وجود دارد وجود خواهد داشت، یا بهتر بگوییم تا فرهنگ شاهنشاهی وجود دارد ایران وجود خواهد داشت.

همانگونه که گفته شد این فرهنگ بستر شایسته ای برای همه باورهای سیاسی است که آخرین تبلور آن قانون اساسی مشروطیت است. سامانه پادشاهی و نماد پادشاهی جزئی از فرهنگ شاهنشاهی است در واقع رابطه بین کل و جز است. نهاد شاهنشاهی در درازای تاریخ به حیات خود ادامه می دهد ولی نهاد پادشاهی با توجه به سلسله های گوناگون پادشاهی متغیر است.

نهاد شاهنشاهی فرهنگ و تمدن کهن و دیر پای ایرانی است ولی سامانه پادشاهی معرفی یک دوره کوتاه تاریخ شاهنشاهی است و عظمت و اهمیت آن از سلسله ای به سلسله های دیگر تغییر می کند. هر چند نمی شود که این دو پدیده یعنی نهاد شاهنشاهی و سامانه پادشاهی را از لحاظ کمی مقایسه کرد، ولی برای ساده شدن موضوع اگر ارزش عددی فرهنگ یا نهاد شاهنشاهی را ۱۰۰ بگیریم ارزش سامانه پادشاهی از سلسله ای به سلسله دیگر متغیر است و در درازای تاریخ، بر حسب اینکه سلسله ها چگونه توانسته اند نیازهای انسانی ملت را برآورده کنند، از ۱۰۰ تا منهای ۱۰۰ متفاوت است. در نمودار پایانی این نوشتار کوشش شده تا بگونه ساده، این تغییرات در درازای تاریخ کهن سال ایران نشان داده شود.

شاهنشاهی در برگیرنده تمام سلسله های پادشاهی است. در واقع سامانه پادشاهی و نماد پادشاهی جزئی از کل نهاد شاهنشاهی هستند. نماد پادشاهی در حال حاضر شاهزاده رضا پهلوی یا رضا شاه دوم هستند و مشروعیّت خود را از قانون اساسی مشروطیت می گیرند و، طبق اصل ۳۷ و اصل ۳۸ متمم قانون اساسی، ولیعهد ایران زمین هستند و در این زمینه، بر اساس قانون اساسی، در فرمانی از سوی محمد رضا شاه در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۳۹ ولیعهدی ایشان به ملت ایرانیان اعلام شد که در بخشهای بعدی این نوشتار خواهد آمد نکته بسیار مهم در فرمان ولیعهدی و وظیفه ولایت عهدی ادامه سلسله شاهنشاهی است نه پادشاهی تنها.

نهاد شاهنشاهی ایرانزمین

نهاد شاهنشاهی با پیشینه چند هزار ساله چون موجودیت خود را ریشه ای و پایه ای می دانسته هیچ گاه احساسی برای تبلیغ و آگاهی رساندن به مردم که اصل «حکومت شایسته سالار و ملت محور است» ننموده. اکنون گروهی از باورمندان به این کاستی تاریخی پی بردند و برآن شدند که این فرهنگ دیرپای کهن باستانی را نگهبانی پاسداری کنند.

این اندیشه فرهنگی، هر چند نوپا ست، ولی چون توانا ترین و اصیل ترین پدیده ای است که ملت اکنون و در آینده خواستار آن خواهند بود به زودی جایگاه پیشین و تاریخی خود را پیدا خواهد کرد و می رود تا روزی برسد که همه ملت ایران از جمهوری خواهان گرفته تا پادشاهی خواهان آن را پایه همبستگی خود قرار دهند.

آشکار است که بر پایه این همبستگی ملی، ایران از پراکنش تاریخی مخرب و نابود کننده جمهوری اسلامی غیر قانونی و اشغالگر خواهد گذشت و در هزاره های آینده، بر این پایه استوار و نیرومند و توانا، جایگاه ملت بزرگ ایران را در عمل به جهانیان نشان خواهد داد. نشان خواهد داد که فرهنگ و تمدن ایرانی، بر پایه نهاد شاهنشاهی تا کنون استوار باقی مانده است، یادآور می شود نهاد شاهنشاهی، بدان جهت که تنها راه ایجاد همبستگی بین همه باورهای سیاسی از جمهوری خواهی و پادشاهی خواهی و حتی باورمندان چپ می باشد با نماد یا سامانه پادشاهی تفاوت دارد بنابراین وظیفه اساسی نگهبانان نهاد شاهنشاهی ایرانزمین، که وظیفه ای تاریخی و طولانی اکنون و در قرن های آینده را بعهده گرفته اند، این است که بتوانند به صورت بسیار بسیار ساده، با برقراری میزهای گرد در رسانه ها به آگاهی مردم برسانند تا به این آرمان فرهنگی ستایش انگیز برسند و با «انتشار فرهنگ شاهنشاهی و انتقال سینه به سینه دستاوردهای تاریخی و سیاسی فر شاهنشاهی ایران سترگ را با هدف جلوگیری از نابودی آزادی اندیشه، خرد و گسترش صلح پایدار، تداوم زنجیره های دادگری و دادگستری، آبادگری موجب «پرورش مهرورزی و همبستگی ملی است» را بیان دارند. در بخشهای بعدی این نوشتار به جزییات آن بویژه پایه های ۲۰ گانه بنیادی و برنامه های نگهبانان نهاد خواهیم پرداخت. در این بخش تنها به نمودار زیر که نشان دهنده ثبات و ادامه تاریخی نهاد شاهنشاهی و شکنندگی و بی ثباتی سلسله های پادشاهی است می پردازیم.

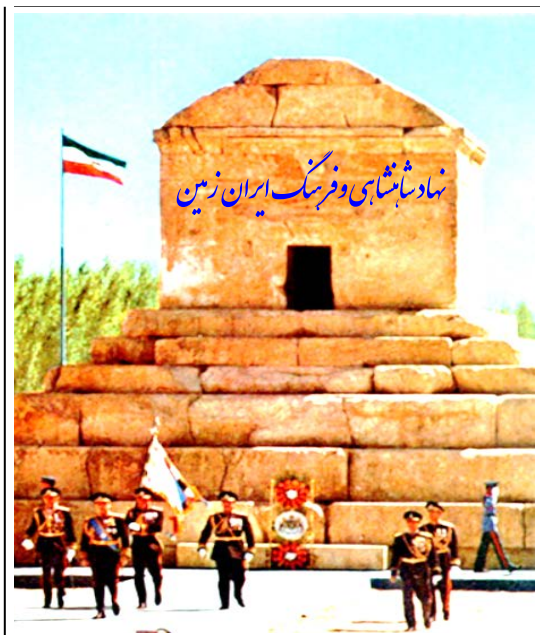
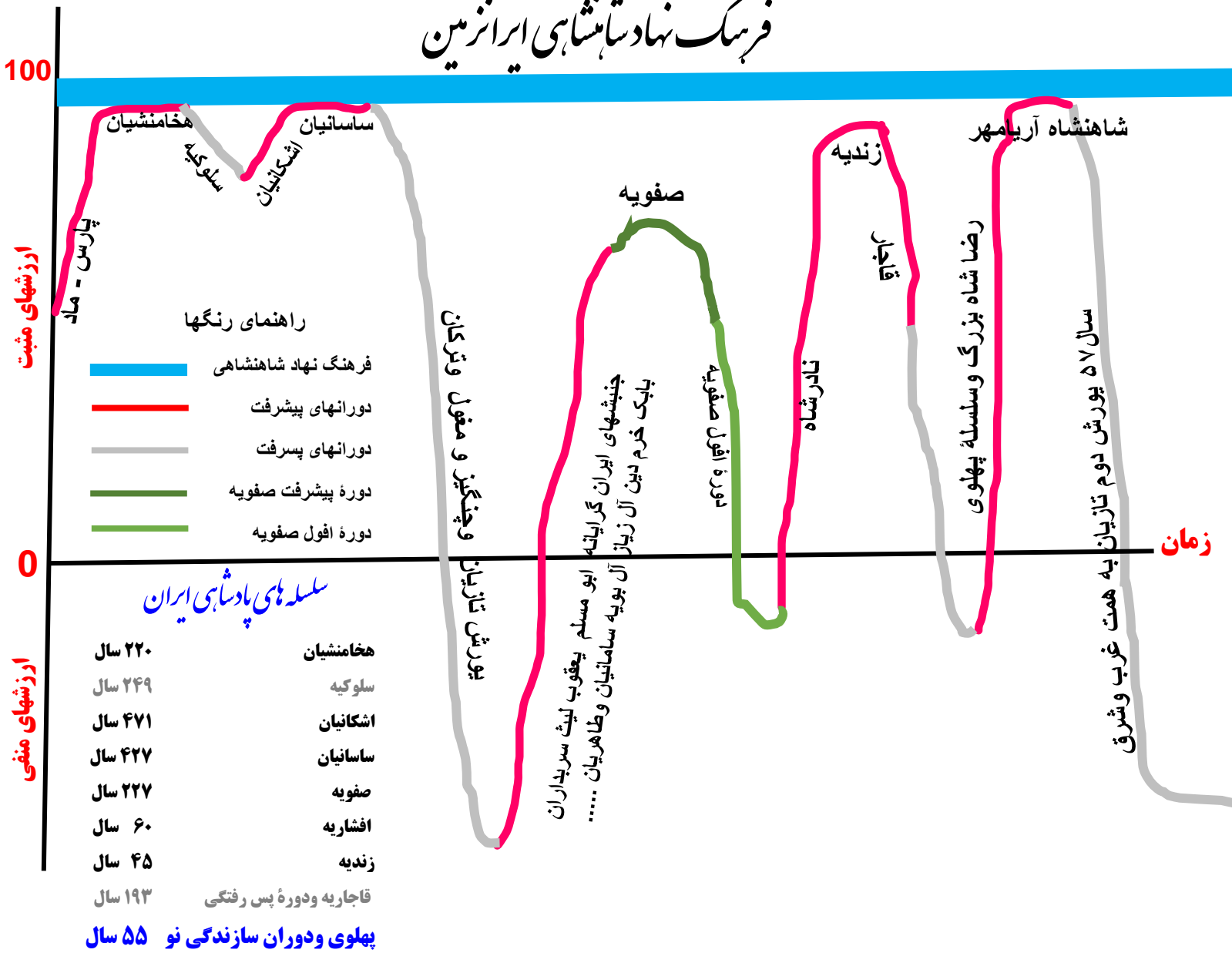
بگونه ای که در این نمودار در رویه بعد دیده میشود نهاد شاهنشاهی در طول تاریخ استوار و پابرجا به موجودیت خود ادامه میدهد ولی عظمت و شکوه پادشاهی از سلسله ای به سلسله دیگر و از پادشاهی به پادشاهی دیگر بلندی و پستیهای زیاد داشته است.

فروردین ۲۵۸۲ شاهنشاهی

برابر آوریل ۲۰۲۳ ترسای

ادامه دارد

فرهنگ نهادشاهی ایران زمین



شاهنشاه آریامهر و افسران سرفراز ارتش شاهنشاهی ایران پس از مراسم نثار تاج گل به بیشگاه بزرگترین افتخار ایرانیان و همه ی جهانیان کورش بزرگ

شورای بازپس گیری ایران زمین

میجنگیم میسیریم ایران را پس میگیریم



آدرس ایمیل شورا bazpasgiri1401@gmail.com

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>

پیام نامه شماره ۷ شورای باز پس گیری ایران

تاریخ ۱۲ فروردین ۲۵۸۲ شاهنشاهی و ۱۴۰۲ خورشیدی برابر یکم آوریل ۲۰۲۳ ترسایی
تلفنهای گروه نویسندگان: ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳
نوشتارهای این شماره:

- | | |
|---------------------------------------------|-----------------------|
| ۱- پیام نوروزی | شورای نویسندگان |
| ۲- نوروز پیروز | زهرا صفار پور |
| ۳- شادباش نوروزی | سام (ایران) |
| ۴- پشتیبانی غرب و شرق از جمهوری اسلامی | اسداله نصر اصفهانی |
| ۵- ایران برای ایرانی | ژاله دفتریان |
| ۵- نقش روان و خرد گرایی | سعید حمزوی |
| ۶- ایران فردا | محمد اورامانی (ایران) |
| ۷- کنفرانس خبری و تاریخی محمد رضاشاه - ۱۳۵۳ | زهرا صفار پور |
| ۸- نگهبانان نهاد شاهنشاهی | اسداله نصر اصفهانی |



شورای بازپس گیری ایران